

بررسی ارتباط بین مسئولیت اجتماعی با فرار مالیاتی و مدیریت سود شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

مهدی مهرآور

مری گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

mehravavar59@gmail.com

حامد کارگر

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه پیام نور استان فارس، مرکز اوز (نویسنده مسئول)

Hamedkargar37@gmail.com

فاطمه آذری جهرمی

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی اندیشه جهرم

fatemehazari.ra@gmail.com

نگار بایگان

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه پیام نور، مرکز بین الملل قشم

Negar.baygan65@gmail.com

چکیده

مسئولیت اجتماعی شرکت، همان باورها و اعتقادات شرکتها می باشد و این گونه بیان می کند که اقدامات شرکتها (اعم از فرار مالیاتی و مدیریت سود و...) بر منافع تمام ذینفعان شرکت از جمله سهامداران، کارکنان، جامعه، دولت و سایرین اثرگذار می باشد. پس توجه واقعی به مسئولیت های اجتماعی شرکت، یعنی حذف مدیریت سود از صورتهای مالی و تصمیمات مدیران و آرایه صورتهای و گزارشات مالیاتی واقعی و بدون تحریف و تقلب، از موارد مهم استقرار مسئولیت اجتماعی شرکتها می باشد. در همین راستا هدف از انجام این تحقیق تبیین ارتباط بین مسئولیت اجتماعی با فرار مالیاتی و مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. این تحقیق با توجه به نوع هدف، پژوهشی کاربردی و از منظر گردآوری داده ها، پژوهشی توصیفی است. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد که با استفاده از محدودیت های اعمال شده و پرسش نامه های تکمیل شده دریافتی، تعداد ۸۲ شرکت به عنوان نمونه آماری انتخاب شد. برای تجزیه و تحلیل داده ها، از آزمون های رگرسیون و ضریب همبستگی پیرسون جهت تبیین رابطه و میزان پیش بینی کنندگی متغیرها و آزمون فرضیه ها استفاده شده است. نتایج نشان داد که بین مسئولیت اجتماعی با فرار مالیاتی و مدیریت سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد و همچنین بین ابعاد اقتصادی، قانونی، اخلاقی و بشردوستانه مسئولیت اجتماعی با متغیرهای وابسته پژوهش رابطه معناداری وجود دارد. **واژه های کلیدی:** فرار مالیاتی، مدیریت سود، مسئولیت اجتماعی، بورس اوراق بهادار تهران.

مقدمه

مسئولیت اجتماعی مجموعه وظایف و تعهداتی است که سازمان بایستی در جهت حفظ و مراقبت و کمک به جامعه‌ای که در آن فعالیت می‌کند، انجام دهد (گریفین^۱، ۲۰۰۸، جلیلی و قیصری، ۱۳۹۳). مسئولیت پذیری اجتماعی سازمان‌ها به بررسی این موضوع می‌پردازد که عملکرد یک سازمان از نظر تأثیر آن بر جامعه و همچنین تأثیر آن بر محیط زیست، عامل مهمی در سنجش عملکرد کلی سازمان و توانایی آن برای ادامه فعالیت‌های خود به طور مؤثر، به شمار می‌آید. که از جمله عواملی که مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها می‌تواند بر آن تأثیر داشته باشد مدیریت سود و دست‌کاری حساب‌ها توسط مدیران شرکت‌ها می‌باشد (جلیلی و قیصری، ۱۳۹۳). از عوامل مهمی که مدیران و روسای شرکت را به هموارسازی و مدیریت سود ترغیب می‌کند انگیزه‌های بازار سرمایه می‌باشد. انتظار بدست آوردن سودهای بسیار زیاد و مشکلات موجود در این راه در طی چرخه تجاری شرکت موجب حساسیت شدید و به نوعی بی‌اعتمادی در سرمایه‌گذاران تبدیل شده و ریسک شرکت را افزایش می‌دهد، بنابراین مدیران تلاش می‌نمایند در روندی عادی و حساب شده و یکنواخت، سود شرکت را گزارش نمایند تا حساسیتی در بین سرمایه‌گذاران بوجود نیاید. یکی از عواملی که می‌تواند منجر به ایجاد نوسان در سود شرکت‌ها شود، همین تصمیم‌های مدیران می‌باشد. منظور از این تصمیم‌ها کلیه مسایل سرمایه‌گذاری‌ها می‌باشد که می‌تواند شرکت را با سود و زیان‌های زیادی مواجه کند و واحد انتفاعی را متحمل ریسک زیادی نماید. آثار این گونه تصمیم‌ها معمولاً سود واحد تجاری را دچار نوسان می‌نماید که گاهی جبران این تصمیمات غیر قابل ممکن و باعث ناتوانی مالی شرکت می‌گردد (احمدپور و شهسوار، ۱۳۹۲). انعطاف‌پذیری حسابداری که گاهاً به دست‌کاری سود می‌انجامد، می‌تواند موجب کاهش محتوای اطلاعاتی صورت‌های مالی و کل بازار رقابت شده و سرمایه‌گذاران را در درک ارقام صورت‌های مالی و مقایسه آن‌ها دچار مشکل کند، مدیران و روسای شرکت‌های تجاری و بازرگانی می‌توانند از طریق دست‌کاری و تقلب در ارقام تعهدی و هم چنین دست‌کاری و تقلب در فعالیت‌های واقعی، سود را دست‌کاری کنند و این دست‌کاری در حساب‌ها را راه حلی جهت فرار از واقعیت قرار می‌دهند (زنگنه و کارگر، ۱۳۹۷).

با توجه به شرایط اقتصادی ایران، یکی از باثبات‌ترین منابع جهت تأمین مالی دولت پرداخت مالیات است. ضرورت پرداختن به بحث مالیات زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم در برنامه پنجم و لایحه پیشنهادی برنامه ششم، مواردی وجود دارد که بر کاهش نقش درآمدهای نفتی در اقتصاد و افزایش سهم درآمدهای مالیاتی در بودجه کل کشور تأکید فراوانی دارد (سپاسی و همکاران، ۱۳۹۵). به عبارت دیگر یکی از اصولی‌ترین منبع درآمد هر کشوری مالیات است. در ایران، در سال‌های اخیر با توجه به تحریم‌هایی که در خصوص خرید نفت وجود دارد، استراتژی درآمدهای دولت به سمتی پیش می‌رود که بیشتر متکی بر مالیات خواهد بود؛ لذا، پرداخت مالیات نقش بسیار مهمی در اقتصاد کلان ایفا می‌کند. با این وجود، شرکت‌ها معمولاً سعی بر آن دارند تا با استفاده از راه کارهایی از پرداخت مالیات خودداری کنند. تقلب مالیاتی به معنای اتخاذ ترتیبات غیرقانونی جهت اختفا یا نادیده گرفتن بدهی مالیاتی است. پدیده فرار مالیاتی یا همان تقلب مالیاتی به عنوان یک ضد ارزش می‌تواند تهدید جدی برای زندگی اجتماعی و تحقق رفاه اجتماعی باشد (ترابی جهرمی، ۱۳۹۶).

در مورد خدمات مالیاتی، محافظت از منافع عمومی شامل پیگیری تقلب‌های مالیاتی می‌باشد. زیرا چنین تقلب و تخلفاتی مستقیماً بر وجوه استفاده عمومی تأثیر می‌گذارد. تمایل حسابداران مالیاتی به تقویت منافع عمومی در مواجهه با فشار مودی

¹ Griffin

بر گزارشگری جعلی، بستگی به سطح اعتقادات آنها به اخلاق و تعهد سازمانی و حرفه‌ای و آرمان‌هایشان دارد (شافر^۲ و همکاران، ۲۰۱۶).

هیلی و آلن^۳ (۱۹۹۹) معتقدند مدیریت سود یعنی مدیریت برای گزارشگری مالی از قضاوت شخصی خود استفاده کند و این کار را با هدف گمراه کردن برخی سهام‌داران درباره عملکرد واقعی یا برای تاثیر در نتایج قراردادهایی که به ارقام حسابداری گزارش شده بستگی دارند، انجام دهد. اسکات^۴ (۱۹۹۷) به مدیریت سود به عنوان اختیار شرکت در انتخاب سیاست‌های حسابداری برای دستیابی به برخی اهداف خاص مدیر اشاره می‌کند (خواجوی و همکاران، ۱۳۹۰).

برخی طرفداران مسئولیت اجتماعی منکر اهمیت سود برای تجار نیستند، برای آنها سود برای اموری چون، ایجاد اشتغال، دستمزدهای عادلانه، تولیدات مفید، مالیات محلی و سایر همکاری‌های اجتماعی بسیار مهم و اساسی است. با این وجود معتقدند که باید شرکت‌ها نقش اجتماعی وسیعی در ایجاد رفاه عمومی از طریق تاثیرگذاری روی برنامه‌های اجتماعی داشته باشند. تصمیمات مدیران و سرمایه‌گذاران در راستای افزایش بازده و ثروت است. تصمیمات سرمایه‌گذاری، تامین مالی و تقسیم سود شرکت‌ها باید به نحوی اتخاذ شود که ارزش شرکت را افزایش دهد، این تصمیمات به طور قطع نیازمند ارزشیابی‌هایی است که هزینه حقوق صاحبان سهام را نیز در بر می‌گیرند. با توجه به این که هزینه حقوق صاحبان سهام معیار خالصی از چگونگی تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری در مورد تخصیص منابع است، میزان ارتباط میان هزینه حقوق صاحبان سهام و معیارهای مسئولیت‌پذیری اجتماعی موید این است که در زمان تصمیم‌گیری اقتصادی چقدر این معیارها برای سرمایه‌گذاران اهمیت دارد (خواجehزاده، ۱۳۹۵).

کویم و جونز (۱۹۹۵) معتقدند که شرکت‌ها باید به صورت اخلاقی عمل کنند و منافع تمام ذینفعان را در نظر بگیرند. بنابراین سازمان‌ها باید به کارهایی دست بزنند که مورد قبول جامعه و منطبق با ارزش‌های آن باشد. سازمان‌ها برای آنکه بتوانند جایگاه خود را در جامعه حفظ نموده یا بهبود بخشند، لازم است به مسئولیت اجتماعی توجه لازم را داشته باشند. اگر سازمان خواهان حیاتی بلند مدت باشد، باید اهداف سودآوری و ثروت زایی خود را از طریق شیوه‌هایی دنبال کند که برای جامعه قابل قبول باشد (وحیدی الیزی و فخاری، ۱۳۹۴).

سازمان‌ها نه تنها در ارتباط با رفاه اجتماعی بلکه در برابر فعالیت‌های اقتصادی خود دارای مسئولیت می‌باشند. بنابراین سازمان‌ها باید نیازهای اقتصادی همه گروه‌های ذینفع از جمله دولت را شناسایی و در جهت رفع مشکلات اقتصادی اقدام نمایند (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۰).

برخی از مدیران مالی و مشاوران مالیاتی، منافع عمومی و رفاه اجتماعی را در هنگام مشاوره دادن به کارفرمای خود و مؤدیان مالیاتی نادیده می‌گیرند و به مرور زمان، گرایش حسابداران بخش عمومی به اندیشه‌های سوداگرانه و سودجویانه بیشتر شده است (کیترون^۵، ۲۰۰۳).

در مورد فرار مالیاتی تعریف‌های متعددی از سوی اقتصاددانان ارائه گردیده است. ماناسان^۶ هرگونه تلاش غیرقانونی به منظور نپرداختن مالیات را به عنوان فرار مالیاتی می‌خواند. این امر به طرق مختلف مانند ندادن اطلاعات لازم در مورد عواید و منافع مشمول مالیات، اظهار بیشتر از حد میزان هزینه و استفاده از رسیدهای جعلی صورت می‌پذیرد. اشنایدر و انست^۷ (۲۰۰۰) فرار

² Shafer

³ Healy and Wahlen

⁴ Scott

⁵ Citron

⁶ Manasan

⁷ Schneider & Enste

مالیاتی را به عنوان کاهش غیر قانونی مالیات پرداختی از طریق عدم گزارش درآمد یا اعلان نمودن نرخ‌های تفریق بالاتر تعریف می‌نمایند (هادیان و تحویلی، ۱۳۹۲).

برای جلوگیری یا رفع فرار از مالیات، اقدامات معمول استفاده شده عبارتند از نرخ مالیات موثر بر اساس درآمد، $GAAP^8$ (اصول عمومی پذیرفته شده در حسابداری)، ETR^9 (نرخ مالیات موثر) یا پرداخت نقدی (هانلون و هیتمن^{۱۰}، ۲۰۱۰). $GAAP$ و ETR بر درآمد و حسابداری مالی تأثیر می‌گذارد. ETR نقدی طولانی مدت به دلیل تغییرات احتمالی نرخ‌های سالیانه، مانع فرار از مالیات می‌شود. استفاده از خدمات مالیاتی خارجی استراتژی دیگری است که بر تصمیمات مالی تأثیر می‌گذارد. مطالعات نشان می‌دهد که هزینه‌های صرف شده برای خدمات مالیاتی منجر به نرخ مؤثر مالیات مالی می‌شود (آرمسترانگ^{۱۱} و همکاران، ۲۰۱۱).

اگر این خدمات مالیاتی توسط یک حسابرس شرکت ارائه شود، کمیته حسابرسی باید این تعامل را تأیید کند. تصویب کمیته ممیزی نتیجه قانون بود؛ حذف خدمات مالیاتی ارائه شده توسط حسابرس به دلیل احتمال نقص در استقلال حسابرس صورت گرفت. اما به این دلیل که خدمات مالیاتی با کاهش هزینه‌ها مزایای مالیات دهندگان را به همراه می‌آورد، این قانون اجازه می‌دهد تا از شرکت‌های حسابرسی به عنوان ارائه‌دهندگان خدمات مالی استفاده کنند، مگر اینکه مشاوره مالیاتی هیچ هدف تجاری ایفا نکند (فاریس و بانی، ۲۰۱۷).

فعالیت‌های مؤسسات حسابداری و حسابرسی در بیشتر موارد به جای پشتیبانی از منافع عمومی به پشتیبانی از منافع اعضای آن مؤسسات، مشتریان و اشخاص سرشناس و ممتاز جامعه سوق پیدا کرده است. اگر مشاوران و مدیران مالی اعتقاد داشته باشند که منافع اقتصادی بلندمدت مشتریان یا کارفرمایان آنها با کسب شهرت از طریق رفتارهای اخلاقی و مسئولانه فراهم می‌شود، کمتر احتمال دارد که درگیر طرح‌ها و برنامه‌های فرار مالیاتی شوند. زیرا چنین طرح‌ها و برنامه‌هایی ریسک ایجاد خسارت به شهرت واحد تجاری را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، فقدان هرگونه اعتقاد نسبت به اهمیت اخلاق و مسئولیت اجتماعی در واحد تجاری می‌تواند به راحتی منجر به توجیه فرار مالیاتی به ویژه در هنگام مواجهه با فشار مشتری یا کارفرما برای کاهش مالیات شود (دیانتی‌دیلمی و رضاپور پرورش، ۱۳۹۳).

مسئولیت اجتماعی شرکتی، باور شرکت در این خصوص است که کلیه اقدامات آن از جمله سیاست‌های مربوط به پرداخت مالیات شرکت بر تمام ذی‌نفعان از جمله سهام‌داران، کارکنان، جامعه، دولت، مشتریان و ... تأثیر می‌گذارد (دارابی و همکاران، ۱۳۹۶).

مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌ها برای حکومت‌ها جذاب است، زیرا آنها را قادر می‌سازد که تلاش‌ها، برنامه‌ها و سیاست‌ها را جایگزین، تکمیل و قانونی کنند و مکمل نقش دولت در تدوین سیاست‌گذاری اجتماعی کارا باشند (سپاسی و همکاران، ۱۳۹۵).

در اهداف اقتصادی کسب و کارها، باید مسئولیت اقتصادی را نیز در نظر گرفت. این امر شامل اخلاق رفتاری، کمک به توسعه اقتصادی و بهبود کیفیت زندگی ذینفعان می‌باشد (فاریس و بانی^{۱۲}، ۲۰۱۷ به نقل از هولم و واتس^{۱۳}، ۲۰۰۶).

⁸ Generally Accepted Accounting Principles

⁹ Effective Tax Rates

¹⁰ Hanlon and Heitzman

¹¹ Armstrong

¹² Fariz and Bonnie

¹³ Holme and Watts

شرکت‌ها نه تنها در قبال ذینفعان داخلی، بلکه ذینفعان خارجی و به طور کلی در قبال جامعه مسئول هستند و یکی از چالش‌های بالقوه در این امر مربوط به مالیات می‌شود. استراتژی‌های شرکت‌ها برای کاهش یا اجتناب از مالیات آن ممکن است به سهام‌داران سود برساند، اما به هزینه و ضرر جامعه است. زیرا مالیات‌ها به طور جزئی، صرف زیرساخت‌های دولتی و برنامه‌های اجتماعی می‌شود (سیکا^{۱۴}، ۲۰۱۰).

از دیدگاه اطلاعاتی، مفهوم سود نتیجه فعالیت‌های اقتصادی را بیان می‌کند، ولی به عنوان معیار اساسی اندازه‌گیری، همچنان مورد تردید قرار دارد. بر مبنای مفروضات بازار کارایی سرمایه، تحقیق‌های تجربی موید آنند که سود حسابداری دارای محتوای اطلاعاتی می‌باشد (حقیقت و رایگان، ۱۳۸۷).

در این میان حسابداری تعهدی، حق انتخاب قابل توجهی به مدیران در تعیین سود در دوره‌های زمانی متفاوت اعطا کرده است. در واقع تحت این نوع سیستم حسابداری، مدیران کنترل چشم‌گیری بر روی زمان تشخیص برخی از اقلام درآمد و هزینه دارند که این امر به ایجاد مقوله‌ای به نام مدیریت سود منجر گردیده است (ملانظری و کریمی‌زند، ۱۳۸۶).

مدیریت سود، به عنوان فرآیند برداشتن گام‌های آگاهانه در محدوده اصول پذیرفته شده حسابداری برای رساندن سود گزارش شده به سطح سود مورد نظر تعریف شده است، که عمل نزدیک کردن سود گزارش شده به سطح سود هدف از طریق دست کاری حسابداری انجام می‌گیرد. صورت‌های مالی از نظر قرار گرفتن در چارچوب استانداردهای حسابداری مشکلی نداشته و حساب‌برسان از این منظر نمی‌توانند بر صورت‌های مالی اشکال بگیرند، ولی با توجه به این که سود یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری هاست، لذا، آگاهی استفاده‌کنندگان از قابلیت اتکای رقم سود می‌تواند آن‌ها را در انتخاب تصمیمات بهتر یاری کند (خواججه‌زاده، ۱۳۹۵).

صورت‌های مالی از نظر قرار گرفتن در چارچوب استانداردهای حسابداری مشکلی نداشته و حساب‌برسان از این منظر نمی‌توانند بر صورت‌های مالی اشکالی بگیرند، ولی با توجه به این که سود یکی از مهمترین عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری هاست. لذا آگاهی استفاده‌کنندگان از قابلیت اتکای رقم سود می‌تواند آن‌ها را در انتخاب تصمیمات بهتر یادآوری کند (استولوی و برتون^{۱۵}، ۲۰۰۴).

اعمال اختیاری مدیران از طریق مدیریت سود می‌تواند زمینه را برای پنهان کردن ارزش واقعی دارایی‌ها و وضعیت مالی شرکت فراهم نموده عواقب منفی برای ذی‌نفعان به خصوص سهام‌داران، کارکنان، جامعه، شهرت مدیران و امنیت شغلی آن‌ها به همراه داشته باشد. بر اساس نظریه تئوری پایداری شرکتی، مدیریت سود، قرابت زیادی با مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکتی دارد و در واقع پایداری شرکتی مفهوم بزرگ‌تری است که مفاهیم دیگری چون مسئولیت اجتماعی شرکتی یا شهروندی شرکتی و حتی حاکمیت شرکتی را در خود جای داده است (ملاشاهی و همکاران، ۱۳۹۶). بنگاه‌های اقتصادی علاوه بر اینکه مسئولیت پاسخگویی به مالکان خود را به عهده دارند، برای حفظ سلامت جامعه ملزم به ایفای مسئولیت اجتماعی خود نیز می‌باشند (رحیمیان، ۱۳۹۱). مسئولیت اجتماعی از یک سو موجب هم‌سویی منافع اقتصادی با محیط زیست و از سوی دیگر سبب رشد و پایداری کسب و کار شرکتها می‌شود (قاسمی، ۱۳۹۱).

بر اساس نظریه ذی‌نفعان یک قرارداد اجتماعی بین جامعه و شرکت وجود دارد. نظریه ذی‌نفعان بیان می‌کند که علاوه بر سهامداران، شرکت باید تلاش نماید تا نیازهای همه ذی‌نفعان را برآورده سازد. تئوری مربوط به مسئولیت اجتماعی و اجتناب مالیاتی، رابطه پیچیده‌ای را بین این دو مفهوم نشان می‌دهد. برخی از محققان از جمله کارول (۱۹۷۹) معتقدند، کاهش

¹⁴ Sikka

¹⁵ Stolowy and Bereton

پرداخت مالیات، هزینه‌ها را کاهش می‌دهد و باعث بهبود سودآوری می‌شود. به این ترتیب اجتناب از مالیات می‌تواند به عنوان یک مسئولیت اقتصادی (که اولین و مهم‌ترین مسئولیت اجتماعی نیز هست) تلقی شود. اما برخی دیگر اجتناب مالیاتی را به عنوان غفلت از مسئولیت اجتماعی می‌دانند. حسیو و کلام (۲۰۱۲) و پروس (۲۰۱۰) اعتقاد دارند که پرداخت مالیات یک نقش حیاتی در جامعه دارد و زمانی که شرکت جنبه مشارکت اقتصادی جامعه را نادیده بگیرد در حقیقت مسئولیت اجتماعی سازمان را به خطر می‌اندازد. او در برخی از موارد اعتقاد دارد که قبول مسئولیت اجتماعی باعث کاهش پرداخت مالیات می‌شود. زیرا کاهش پرداخت مالیات سودآوری را افزایش می‌دهد و شرکت در موقعیت بهتری قرار می‌گیرد و می‌تواند برای فعالیت‌های اجتماعی هزینه کند (سپاسی و همکاران، ۱۳۹۵).

از آنجایی که رفتارهای مدیریت سود ممکن است منافع ذی نفعان را به خطر اندازد، بنابراین انتظار می‌رود مدیریت شرکت‌هایی که بیشتر درگیر رفتارهای مدیریت سود هستند، به خاطر جلب رضایت ذی نفعان توجه بیشتری به مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت داشته باشند (قاسمی، ۱۳۹۱).

پیشینه پژوهش

بازدار (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان بررسی مسئولیت اجتماعی، ویژگی‌های هیأت‌مدیره و مدیریت سود با توجه به نقش نظارتی هیأت‌مدیره شرکت‌ها، نشان داد که مسئولیت پذیری اجتماعی با مدیریت سود ارتباط منفی و معناداری دارد. همچنین نظارت بیشتر هیأت‌مدیره در شرکت‌ها، ارتباط مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها با مدیریت سود به سمت منفی‌تر تقویت می‌شود.

دارابی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه بین مسئولیت اجتماعی، عملکرد اقتصادی و اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، به این نتایج رسیدند که اگر شرکت دارای مسئولیت اجتماعی باشد میانگین اجتناب از مالیات و میانگین ارزش افزوده اقتصادی آنها کم خواهد شد و بالعکس اگر شرکتی دارای مسئولیت اجتماعی نباشد میانگین اجتناب از مالیات و میانگین ارزش افزوده اقتصادی آنها نیز افزایش می‌یابد. اندازه شرکت بر میزان اجتناب از مالیات دارای تاثیر معنادار است و هر آنچه اندازه شرکت بزرگ (کوچک) باشد میزان اجتناب از مالیات نیز افزایش (کاهش) می‌یابد. اندازه شرکت و بازده دارایی‌ها بر میزان ارزش افزوده اقتصادی شرکت‌ها دارای تاثیر معنادار است. متغیرهای اهرم مالی و نسبت ارزش بازاری به ارزش دفتری تاثیر معناداری بر اجتناب از مالیات و ارزش افزوده اقتصادی ندارند.

خواجه زاده (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان تعیین تاثیر مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت‌ها بر تفاوت بین مدیریت سود واقعی و مدیریت سود تعهدی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، نشان داد که مسئولیت اجتماعی شرکت اثر منفی و معناداری بر مدیریت سود (واقعی و مبتنی بر اقلام تعهدی اختیاری) شرکت‌ها دارد. همچنین، شرکت‌های دارای مسئولیت اجتماعی تمایل بیشتری برای درگیر شدن در مدیریت سود واقعی نسبت به مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی دارند.

سپاسی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان، طراحی مدل تأثیر بعد اقتصادی مسئولیت اجتماعی بر اجتناب مالیاتی با استفاده از رویکرد معادلات ساختاری در بورس اوراق بهادار، به این نتایج رسیدند که اجتناب مالیاتی فعلیتی است که مدیریت با استفاده از اختیارات خود اقدام به کاهش و دستکاری سود به منظور کاهش مالیات پرداختنی می‌نماید و الزاماً اتخاذ این نوع سیاست در جهت منافع همه گروه‌های ذینفع نیست. سطح بعد اقتصادی، تأثیر منفی و معنی‌داری بر اجتناب مالیاتی دارد. این نتیجه نشان می‌دهد که هرچه مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در بعد اقتصادی بیشتر باشد، شرکت‌ها اجتناب مالیاتی کمتری را در پیش می‌گیرند.

فاریس و بانی (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان، بررسی اجتناب مالیاتی، مدیریت مالیاتی و مسئولیت اجتماعی شرکتی، به این نتایج رسیدند که تعامل مسئولیت های اجتماعی با هزینه های مدیریت مالی تاثیر مثبتی بر *GAAP* و *ETR* نقدی دارد، در حالیکه برهم کنش قدرت های حاکمیت شرکتی و تنوع در هزینه های مدیریت مالی تاثیر منفی بر *ETR* نقدی می گذارد. همچنین به این نتیجه رسیدند که شرکت هایی در بورس اوراق بهادار که از طرح *CSR* (مسئولیت اجتماعی شرکت ها) استفاده نمی کنند، دست به فرار مالیاتی می زنند. بنابراین یافته های آنها تاکید می کند که در مطالعات آینده در مورد اجتناب مالیاتی و مدیریت مالی، باید طرح *CSR* نیز بررسی شود.

رنسلار^{۱۶} (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان، ارتباط بین مسئولیت اجتماعی و اجتناب مالیاتی، به این نتیجه رسید که بعد اقتصادی و زیست محیطی، رابطه مثبت و معناداری با اجتناب مالیاتی دارد و شرکت هایی که تنها به مشتریان و سهام داران وفاداری بیشتری دارند، میزان بیشتری از اجتناب مالیاتی را دارا هستند.

لاگویر و الباز^{۱۷} (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان، بررسی تأثیر ابعاد مختلف مسئولیت اجتماعی بر فرار مالیاتی، به این نتایج رسیدند که فعالیت بیشتر در بعد اجتماعی، مسئولیت اجتماعی همراه با سطح پایین تر فعالیت جسورانه مالیاتی است، اما فعالیت بیشتر در بعد اقتصادی، مسئولیت اجتماعی مرتبط با سطح بالایی از فعالیت جسورانه مالیاتی است.

لانیس و ریچاردسون^{۱۸} (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان، ارتباط بین مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت و فرار مالیاتی شرکت ها، به این نتیجه رسیدند که سطح بالایی از افشای مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت ها، سطح کمتری از فرار مالیاتی را در پی دارد.

هوی و هو^{۱۹} (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه بین مسئولیت اجتماعی و عدم تمکین مالیاتی، نشان دادند که هرچه شرکت ها در فعالیت های مرتبط با مسئولیت اجتماعی، بیشتر مشارکت می نمایند عدم تمکین مالیاتی آنها کمتر می باشد. هانلون و اسلمورد^{۲۰} (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان، آیا رویه های جسورانه مالیاتی، شفافیت شرکت را کاهش می دهد یا خیر؟ معیار مورد استفاده این محققان، عدم تقارن اطلاعاتی، کیفیت سود و خطای پیش بینی تحلیل گران به عنوان معیار شفافیت شرکت بود. این گونه نتایج را مطرح کردند که استراتژی جسورانه مالیاتی، شفافیت شرکت را کاهش می دهد. به علاوه مدیران شرکت هایی که رویه های جسورانه مالیاتی را در پیش گرفته اند، تلاش می کنند مسئله شفافیت را با افزایش دادن سطح افشای مالیاتی کاهش دهند. اما با این حال به دلیل آثار سوئی که فرار مالیاتی بر اقتصاد کشور دارد، به توجه و بررسی بیشتری در این زمینه نیاز است. به طور کلی، فرار مالیاتی سبب می شود که درآمدهای مورد نیاز دولت برای هزینه های دولت تامین نگردد و در نتیجه خدماتی که دولت می باید آن را فراهم سازد، در حد مورد نیاز و با کیفیت ارائه نشود (رحیمیان، ۱۳۹۱).

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی و پیمایشی می باشد. برای گردآوری داده ها، از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. لذا این پژوهش براساس گردآوری داده ها، در زمره تحقیقات توصیفی می باشد.

¹⁶ Renselaar

¹⁷ Laguir and Elbaz

¹⁸ Lanis and Richardson

¹⁹ Hoi and Wu

²⁰ Hanlon and Slemrod

جامعه آماری

جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۶ می‌باشد که با اعمال شرایط و محدودیت‌های زیر:

۱. دوره مالی آنها منتهی به پایان اسفند باشد.
۲. در طی دوره بررسی توقف فعالیت‌ها یا تغییر سال مالی نداشته باشد.
۳. اطلاعات مورد نیاز شرکت‌ها، در طی دوره مورد بررسی موجود باشد.
۴. جزء شرکت‌های بیمه‌ای، سرمایه‌گذاری، هلدینگ، بانکها و موسسات اعتباری و... نباشند.

تعداد ۱۱۴ شرکت به عنوان نمونه اولیه انتخاب گردید. پس از توزیع پرسشنامه میان مدیرعاملان و اعضای هیات‌مدیره شرکت‌های منتخب تنها ۸۲ پرسشنامه تکمیل و بعنوان نمونه نهایی انتخاب شد.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی اول: بین مسئولیت اجتماعی و فرار مالیاتی ارتباط معنادار وجود دارد.

فرضیه اصلی دوم: بین مسئولیت اجتماعی و مدیریت سود ارتباط معنادار وجود دارد.

فرضیه فرعی اول: بین بعد اقتصادی مسئولیت اجتماعی و فرار مالیاتی ارتباط معنادار وجود دارد.

فرضیه فرعی دوم: بین بعد قانونی مسئولیت اجتماعی و فرار مالیاتی ارتباط معنادار وجود دارد.

فرضیه فرعی سوم: بین بعد اخلاقی مسئولیت اجتماعی و فرار مالیاتی ارتباط معنادار وجود دارد.

فرضیه فرعی چهارم: بین بعد بشردوستانه مسئولیت اجتماعی و فرار مالیاتی ارتباط معنادار وجود دارد.

فرضیه فرعی پنجم: بین بعد اقتصادی مسئولیت اجتماعی و مدیریت سود ارتباط معنادار وجود دارد.

فرضیه فرعی ششم: بین بعد قانونی مسئولیت اجتماعی و مدیریت سود ارتباط معنادار وجود دارد.

فرضیه فرعی هفتم: بین بعد اخلاقی مسئولیت اجتماعی و مدیریت سود ارتباط معنادار وجود دارد.

فرضیه فرعی هشتم: بین بعد بشردوستانه مسئولیت اجتماعی و مدیریت سود ارتباط معنادار وجود دارد.

تعریف عملیاتی متغیرها

متغیرهای پژوهش شامل فرار مالیاتی که شامل ابعاد (نرخ بالای مالیات، قوانین پیچیده و متعدد مالیاتی، سرمایه اجتماعی و تورم) و متغیر مسئولیت اجتماعی شامل ابعاد (اقتصادی، قانونی، اخلاقی و بشردوستانه) و متغیر مدیریت سود می‌باشد. پس از تکمیل پرسشنامه‌ها، اطلاعات به دست آمده، وارد نرم افزار آماری SPSS نگارش ۲۳ شده، از آزمون‌های رگرسیون و ضریب همبستگی پیرسون جهت تبیین رابطه و میزان پیش‌بینی‌کنندگی متغیرها جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها و بدست آوردن نتایج فرضیه‌ها استفاده شد. برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز بعد از فرم اطلاعات فردی که شامل جنسیت، تحصیلات، سن، و ... می‌باشد؛ دیگر اطلاعات مورد نیاز نیز با ابزار پرسشنامه به شرح زیر به دست آمد:

الف) پرسشنامه عوامل موثر بر فرار مالیاتی هادیان و تحویلی (۱۳۹۲):

این پرسشنامه دارای ۱۶ سوال بوده و هدف آن ارزیابی عوامل موثر بر فرار مالیاتی (نرخ بالای مالیات، قوانین پیچیده و متعدد مالیاتی، سرمایه اجتماعی، تورم) می‌باشد. این پرسشنامه دارای ۴ بعد به این صورت می‌باشد: ۱- بعد نرخ بالای مالیات (گویه-

های ۱-۴)؛ ۲- بعد قوانین پیچیده و متعدد مالیاتی (گویه‌های ۵-۸)؛ ۳- بعد سرمایه اجتماعی (گویه‌های ۹-۱۲) و ۴- بعد تورم (گویه‌های ۱۳-۱۶). شیوه نمره‌گذاری آن بر اساس طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای به صورت کاملاً مخالفم = ۱ امتیاز، ... ، کاملاً موافقم = ۵ امتیاز بود. نمره بین ۱۶ تا ۳۲: تاثیر بر فرار مالیاتی، کم است. نمره بین ۳۲ تا ۴۸: تاثیر بر فرار مالیاتی، متوسط است. نمره بالاتر از ۴۸: تاثیر بر فرار مالیاتی، زیاد است. لازم به ذکر است که امتیاز بالاتر در هر بعد، نشان دهنده تاثیر بیشتر آن بعد بر فرار مالیاتی خواهد بود و برعکس. روایی و پایایی: برای انجام آزمون پایایی (بررسی ایستایی متغیرهای مدل)، از آزمون دیکر فوکر تعمیم یافته استفاده گردید. نتایج حاصل از آن نشان دهنده این است که تمامی متغیرها با یک مرتبه تفاضل‌گیری ایستا گردیده‌اند. پایایی این پرسشنامه مقدار ۰/۸۶ به دست آمد.

ب) مسئولیت اجتماعی کارول (۱۹۹۱):

این پرسشنامه ۲۵ سوالی، با مقیاس پنج درجه ای لیکرت (خیلی کم = ۱، کم = ۲، متوسط = ۳، زیاد = ۴ و خیلی زیاد = ۵) و چهار مؤلفه مسئولیت اقتصادی (سوال ۱ الی ۶)، مسئولیت قانونی (سوال ۷ الی ۱۳)، مسئولیت اخلاقی (سوال ۱۴ الی ۲۱) و مسئولیت بشردوستانه (سوال ۲۲ الی ۲۵) می‌باشد که در پایان‌نامه کشاورز، روایی محتوایی آن، از دیدگاه کارشناسان تایید شد. همچنین در بررسی پایایی، آلفای کرونباخ پرسشنامه ۰/۸۷۸ بدست آمده است (کشاورز، ۱۳۹۵).

ج) پرسشنامه مدیریت سود جمشیدی (۱۳۹۳):

به منظور گردآوری داده‌های مربوط به مدیریت سود، از پرسشنامه مدیریت سود جمشیدی (۱۳۹۳) استفاده شد. این پرسشنامه دارای ۲۲ سوال با شیوه نمره‌گذاری بر اساس طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای (خیلی ضعیف = ۱، ... ، خیلی قوی = ۵) بود. در پایان‌نامه جمشیدی (۱۳۹۳)، روایی به صورت صوری و از دیدگاه کارشناسان مربوطه تایید شد و محتوایی و پایایی پرسشنامه توسط آزمون آلفای کرونباخ محاسبه شد. نتایج این آزمون برابر با ۰/۸۱۳ بود (جمشیدی، ۱۳۹۳).

یافته‌های پژوهش:

هدف از انجام این پژوهش بررسی ارتباط بین مسئولیت اجتماعی با فرار مالیاتی و مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. نتایج و یافته‌های تحقیق به شرح زیر می‌باشد:

جدول شماره (۱): نتایج آزمون فرضیه اصلی اول و دوم

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون	ضریب تعیین (R ²)	آنالیز واریانس (ANOVA)	ضریب مسیر بتا	t	سطح معنادار	وضعیت فرضیه
مسئولیت اجتماعی و فرار مالیاتی	-۰,۷۴۹	۰,۵۶۱	۱۰۲,۰۶۶	-۰,۷۴۹	-۱۰,۱۰۳	۰,۰۰۰	تایید
مسئولیت اجتماعی و مدیریت سود	۰,۶۲۳	۰,۳۸۸	۵۰,۷۵۱	۰,۶۲۳	۷,۱۲۴	۰,۰۰۰	تایید

نتایج حاصل از برآورد میزان ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای فرار مالیاتی و مسئولیت اجتماعی (۰,۷۴۹) و سطح معناداری کمتر از ۰,۰۵ نشان می‌دهد بین متغیرها ارتباط معنادار وجود دارد. R^2 نشان می‌دهد متغیر مسئولیت اجتماعی می‌تواند ۵۶ درصد از تغییرات متغیر فرار مالیاتی را تبیین کند. مقدار F در تحلیل واریانس (۱۰۲,۰۶۶) و سطح معناداری کمتر از ۰,۰۰۰

است. بنابراین بین متغیرهای مستقل و وابسته رابطه خطی معنادار وجود دارد. مقدار بتا برابر با $-۰,۷۴۹$ ؛ مقدار t آن برابر با $-۱۰,۱۰۳$ و سطح معناداری کمتر از $۰,۰۵$ نشان می دهد ارتباط این دو متغیر با یکدیگر معنادار و معکوس می باشد. نتایج حاصل از برآورد میزان ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مدیریت سود و مسئولیت اجتماعی ($۰,۶۲۳$) و سطح معناداری کمتر از $۰,۰۵$ نشان می دهد بین متغیرها ارتباط معنادار وجود دارد. R^2 نشان می دهد متغیر مسئولیت اجتماعی می تواند ۳۹ درصد از تغییرات متغیر مدیریت سود را تبیین کند. مقدار F در تحلیل واریانس ($۵۰,۷۵۱$) و سطح معناداری کمتر از $۰,۰۰۰$ است. بنابراین بین متغیرهای مستقل و وابسته رابطه خطی معنادار وجود دارد. مقدار بتا برابر $۰,۶۲۳$ ؛ مقدار t آن برابر با $۷,۱۲۴$ و سطح معناداری کمتر از $۰,۰۵$ نشان می دهد ارتباط این دو متغیر با یکدیگر معنادار و مستقیمی می باشد.

جدول شماره (۲): نتایج آزمون فرضیه فرعی اول

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون	ضریب تعیین (R^2)	آنالیز واریانس (ANOVA)	ضریب مسیر بتا	t	سطح معنادار	وضعیت فرضیه
فرار مالیاتی و مسئولیت پذیری اقتصادی	$-۰,۶۲۱$	$۰,۳۸۶$	$۵۰,۳۱۱$	$-۰,۶۲۱$	$-۷,۰۹۳$	$۰,۰۰۰$	تایید

نتایج حاصل از برآورد میزان ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرها برابر ($-۰,۶۲۱$) نشان می دهد بین آنها ارتباط معنادار وجود دارد. مقدار R ($۰,۶۲۱$) و R^2 نشان می دهد متغیر بعد اقتصادی می تواند ۳۹ درصد از تغییرات فرار مالیاتی را تبیین کند. مقدار F در تحلیل واریانس ($۵۰,۳۱۱$) و سطح معناداری کمتر از $۰,۰۰۰$ است. بنابراین بین متغیرهای مستقل و وابسته رابطه خطی معنادار وجود دارد. مقدار بتا برابر با $-۰,۶۲۱$ ؛ مقدار t آن برابر با $-۷,۰۹۳$ و سطح معناداری کمتر از $۰,۰۵$ نشان می دهد ارتباط این دو متغیر با یکدیگر معنادار و معکوس می باشد. به طور کلی با توجه به یافته های به دست آمده از آزمون های فوق، این نتیجه استنباط می گردد که فرضیه تایید شده و نشان می دهد با افزایش مسئولیت پذیری اقتصادی شرکتها، فرار مالیاتی آنها کاهش می یابد و شرکت های دارای فرار مالیاتی، وضعیت مسئولیت پذیری اقتصادی نامناسب و نامطلوبی دارند.

جدول شماره (۳): نتایج آزمون فرضیه فرعی دوم

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون	ضریب تعیین (R^2)	آنالیز واریانس (ANOVA)	ضریب مسیر بتا	t	سطح معنادار	وضعیت فرضیه
فرار مالیاتی و مسئولیت پذیری قانونی	$-۰,۶۴۷$	$۰,۴۵۵$	$۶۶,۷۰۱$	$-۰,۶۴۷$	$-۸,۱۶۷$	$۰,۰۰۰$	تایید

نتایج حاصل از برآورد میزان ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرها برابر ($-۰,۶۴۷$) نشان می دهد بین آنها ارتباط معنادار وجود دارد. مقدار R ($۰,۶۴۷$) و R^2 نشان می دهد متغیر فرار مالیاتی می تواند ۴۵ درصد از تغییرات بعد قانونی را تبیین کند. مقدار F در تحلیل واریانس ($۶۶,۷۰۱$) و سطح معناداری کمتر از $۰,۰۰۰$ است. بنابراین بین متغیرهای مستقل و وابسته رابطه خطی معنادار وجود دارد. مقدار بتا برابر با $-۰,۶۴۷$ ؛ مقدار t آن برابر با $-۸,۱۶۷$ و سطح معناداری کمتر از $۰,۰۵$ نشان می دهد ارتباط این دو متغیر با یکدیگر معنادار و معکوس می باشد. به طور کلی با توجه به یافته های به دست آمده از آزمون های فوق، این

نتیجه استنباط می‌گردد که فرضیه تایید شده و نشان می‌دهد با افزایش مسئولیت‌پذیری قانونی شرکت‌ها، فرار مالیاتی آنها کاهش می‌یابد و شرکت‌های دارای فرار مالیاتی، وضعیت مسئولیت‌پذیری قانونی نامناسب و نامطلوبی دارند.

جدول شماره (۴): نتایج آزمون فرضیه فرعی سوم

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون	ضریب تعیین (R^2)	آنالیز واریانس (ANOVA)	ضریب مسیر بتا	T	سطح معنادار	وضعیت فرضیه
فرار مالیاتی و مسئولیت‌پذیری اخلاقی	-۰,۶۸۹	۰,۴۷۵	۷۲,۴۹۸	-۰,۶۸۹	-۸,۵۱۵	۰,۰۰۰	تایید

نتایج حاصل از برآورد میزان ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرها برابر (-۰,۶۸۹) نشان می‌دهد بین آنها ارتباط معنادار وجود دارد. مقدار R (۰,۶۸۹) و R^2 نشان می‌دهد متغیر بعد اخلاقی می‌تواند ۴۷ درصد از تغییرات فرار مالیاتی را تبیین کند. مقدار F در تحلیل واریانس (۷۲,۴۹۸) و سطح معناداری کمتر از ۰,۰۰۰ است. بنابراین بین متغیرهای مستقل و وابسته رابطه خطی معنادار وجود دارد. مقدار بتا برابر با -۰,۶۸۹؛ مقدار t آن برابر با -۸,۵۱۵ و سطح معناداری کمتر از ۰,۰۵ نشان می‌دهد ارتباط این دو متغیر با یکدیگر معنادار و معکوس می‌باشد. به طور کلی با توجه به یافته‌های به دست آمده از آزمون‌های فوق، این نتیجه استنباط می‌گردد که فرضیه تایید شده و نشان می‌دهد با افزایش مسئولیت‌پذیری اخلاقی شرکت‌ها، فرار مالیاتی آنها کاهش می‌یابد و شرکت‌های دارای فرار مالیاتی، وضعیت مسئولیت‌پذیری اخلاقی نامناسب و نامطلوبی دارند.

جدول شماره (۵): نتایج آزمون فرضیه فرعی چهارم

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون	ضریب تعیین (R^2)	آنالیز واریانس (ANOVA)	ضریب مسیر بتا	t	سطح معنادار	وضعیت فرضیه
فرار مالیاتی و مسئولیت‌پذیری بشردوستانه	-۰,۴۸۲	۰,۲۳۳	۲۴,۲۵۸	-۰,۴۸۲	-۴,۹۲۵	۰,۰۰۰	تایید

نتایج حاصل از برآورد میزان ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرها برابر (-۰,۴۸۲) نشان می‌دهد بین آنها ارتباط معنادار وجود دارد. مقدار R (۰,۴۸۲) و R^2 نشان می‌دهد متغیر بعد بشردوستانه می‌تواند ۲۳ درصد از تغییرات فرار مالیاتی را تبیین کند. مقدار F در تحلیل واریانس (۲۴,۲۵۸) و سطح معناداری کمتر از ۰,۰۰۰ است. بنابراین بین متغیرهای مستقل و وابسته رابطه خطی معنادار وجود دارد. مقدار بتا برابر با -۰,۴۸۲؛ مقدار t آن برابر با -۴,۹۲۵ و سطح معناداری کمتر از ۰,۰۵ نشان می‌دهد ارتباط این دو متغیر با یکدیگر معنادار و معکوس می‌باشد. به طور کلی با توجه به یافته‌های به دست آمده از آزمون‌های فوق، این نتیجه استنباط می‌گردد که فرضیه تایید شده و نشان می‌دهد با افزایش مسئولیت‌پذیری بشردوستانه شرکت‌ها، فرار مالیاتی آنها کاهش می‌یابد و شرکت‌های دارای فرار مالیاتی، وضعیت مسئولیت‌پذیری بشردوستانه نامناسب و نامطلوبی دارند.

جدول شماره (۶): نتایج آزمون فرضیه فرعی پنجم

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون	ضریب تعیین (R2)	آنالیز واریانس (ANOVA)	ضریب مسیر بتا	t	سطح معنادار	وضعیت فرضیه
مدیریت سود و مسئولیت پذیری اقتصادی	۰,۵۰۹	۰,۲۵۹	۲۷,۹۹۲	۰,۵۰۹	۲۷,۹۹۲	۰,۰۰۰	تایید

نتایج حاصل از برآورد میزان ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرها برابر (۰,۵۰۹) نشان می‌دهد بین آنها ارتباط معنادار وجود دارد. مقدار R ، (۰,۵۰۹) و R^2 نشان می‌دهد متغیر مسئولیت پذیری اقتصادی می‌تواند ۲۶ درصد از تغییرات متغیر مدیریت سود را تبیین کنند. مقدار F در تحلیل واریانس (۲۷,۹۹۲) و سطح معناداری کمتر از ۰,۰۰۰ است. بنابراین بین متغیرهای مستقل و وابسته رابطه خطی معنادار وجود دارد. مقدار بتا برابر با ۰,۵۰۹؛ مقدار t آن برابر با ۵,۲۹۱ و سطح معناداری کمتر از ۰,۰۵ نشان می‌دهد ارتباط این دو متغیر با یکدیگر معنادار و مستقیم می‌باشد. به طور کلی با توجه به یافته‌های به دست آمده از آزمون‌های فوق، این نتیجه استنباط می‌گردد که فرضیه تایید شده و نشان می‌دهد شرکت‌های دارای مسئولیت پذیری اقتصادی از وضعیت مدیریت سود مناسب و مطلوبی برخوردارند.

جدول شماره (۷): نتایج آزمون فرضیه فرعی ششم

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون	ضریب تعیین (R2)	آنالیز واریانس (ANOVA)	ضریب مسیر بتا	t	سطح معنادار	وضعیت فرضیه
مدیریت سود و مسئولیت پذیری قانونی	۰,۵۴۴	۰,۲۹۶	۳۳,۶۳۵	۰,۵۴۴	۵,۸۰۰	۰,۰۰۰	تایید

نتایج حاصل از برآورد میزان ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرها برابر (۰,۵۴۴) نشان می‌دهد بین آنها ارتباط معنادار وجود دارد. مقدار R ، (۰,۵۴۴) و R^2 نشان می‌دهد متغیر مسئولیت پذیری قانونی می‌تواند ۳۰ درصد از تغییرات متغیر مدیریت سود را تبیین کنند. مقدار F در تحلیل واریانس (۳۳,۶۳۵) و سطح معناداری کمتر از ۰,۰۰۰ است. بنابراین بین متغیرهای مستقل و وابسته رابطه خطی معنادار وجود دارد. مقدار بتا برابر با ۰,۵۴۴؛ مقدار t آن برابر با ۵,۸۰۰ و سطح معناداری کمتر از ۰,۰۵ نشان می‌دهد ارتباط این دو متغیر با یکدیگر معنادار و مستقیم می‌باشد. به طور کلی با توجه به یافته‌های به دست آمده از آزمون‌های فوق، این نتیجه استنباط می‌گردد که فرضیه تایید شده و نشان می‌دهد شرکت‌های دارای مسئولیت‌پذیری قانونی از وضعیت مدیریت سود مناسب و مطلوبی برخوردارند.

جدول شماره (۸): نتایج آزمون فرضیه فرعی هفتم

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون	ضریب تعیین (R2)	آنالیز واریانس (ANOVA)	ضریب مسیر بتا	t	سطح معنادار	وضعیت فرضیه
مدیریت سود و مسئولیت پذیری اخلاقی	۰,۶۴۷	۰,۴۱۸	۵۷,۴۴۸	۰,۶۴۷	۷,۵۷۹	۰,۰۰۰	تایید

نتایج حاصل از برآورد میزان ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرها برابر (۰,۶۴۷) نشان می‌دهد بین آنها ارتباط معنادار وجود دارد. مقدار R ، (۰,۶۴۷) و R^2 نشان می‌دهد متغیر مسئولیت پذیری اخلاقی می‌تواند ۴۲ درصد از تغییرات متغیر مدیریت سود را تبیین کنند. مقدار F در تحلیل واریانس (۵۷,۴۴۸) و سطح معناداری کمتر از ۰,۰۰۰ است. بنابراین بین متغیرهای مستقل و

وابسته رابطه خطی معنادار وجود دارد. مقدار بتا برابر با ۰,۶۴۷؛ مقدار t آن برابر با ۷,۵۷۹ و سطح معناداری کمتر از ۰,۰۵ نشان می‌دهد ارتباط این دو متغیر با یکدیگر معنادار و مستقیم می‌باشد. به طور کلی با توجه به یافته‌های به دست آمده از آزمون‌های فوق، این نتیجه استنباط می‌گردد که فرضیه تایید شده و نشان می‌دهد شرکت‌های دارای مسئولیت پذیری اخلاقی از وضعیت مدیریت سود مناسب و مطلوبی برخوردارند.

جدول شماره (۹): نتایج آزمون فرضیه فرعی هشتم

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون	ضریب تعیین (R^2)	آنالیز واریانس (ANOVA)	ضریب مسیر بتا	t	سطح معنادار	وضعیت فرضیه
مدیریت سود و مسئولیت پذیری بشردوستانه	۰,۲۷۹	۰,۰۷۸	۶,۷۷۰	۰,۲۷۹	۲,۶۰۲	۰,۰۰۰	تایید

نتایج حاصل از برآورد میزان ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرها برابر (۰,۲۷۹) نشان می‌دهد بین آنها ارتباط معنادار وجود دارد. مقدار R^2 (۰,۲۷۹) و R^2 نشان می‌دهد متغیر مسئولیت پذیری بشردوستانه می‌تواند ۷ درصد از تغییرات متغیر مدیریت سود را تبیین کنند. مقدار F در تحلیل واریانس (۶,۷۷۰) و سطح معناداری کمتر از ۰,۰۰۰ است. بنابراین بین متغیرهای مستقل و وابسته رابطه خطی معنادار وجود دارد. مقدار بتا برابر با ۰,۲۷۹؛ مقدار t آن برابر با ۲,۶۰۲ و سطح معناداری کمتر از ۰,۰۵ نشان می‌دهد ارتباط این دو متغیر با یکدیگر معنادار و مستقیم می‌باشد. به طور کلی با توجه به یافته‌های به دست آمده از آزمون‌های فوق، این نتیجه استنباط می‌گردد که فرضیه تایید شده و نشان می‌دهد شرکت‌های دارای مسئولیت‌پذیری بشردوستانه از وضعیت مدیریت سود مناسب و مطلوبی برخوردارند.

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش به بررسی ارتباط بین مسئولیت اجتماعی با فرار مالیاتی و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از روش پرسش‌نامه ای پرداخته شد. دو فرضیه اصلی و هشت فرضیه فرعی مطرح و مورد آزمون قرار گرفتند که نتایج حاصل از آنها بیانگر آن می‌باشد که به طور کلی با توجه به یافته‌های به دست آمده از آزمون‌های فوق بین مسئولیت اجتماعی با فرار مالیاتی و مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ارتباط معنادار وجود دارد.

طبق آزمون فرضیات اصلی پژوهش بین متغیرهای تحقیق رابطه معناداری وجود دارد و رابطه بین مسئولیت اجتماعی و فرار مالیاتی منفی و معکوس می‌باشد (هر چه مسئولیت اجتماعی بالاتر فرار مالیاتی کاهش می‌یابد) و همچنین رابطه بین مسئولیت اجتماعی و مدیریت سود مثبت و مستقیم می‌باشد. آزمون‌های فرعی شماره ۱ و ۲ و ۳ و ۴ پژوهش رابطه بین فرار مالیاتی با ارکان تشکیل دهنده مسئولیت اجتماعی (مسئولیت پذیری اجتماعی، مسئولیت پذیری قانونی، مسئولیت پذیری اخلاقی، مسئولیت پذیری بشر دوستانه) را مورد آزمون قرار داده و نتایج آن رابطه منفی، معکوس و معناداری را بین چهار بعد مسئولیت اجتماعی و فرار مالیاتی نشان می‌دهد بدین معنا که هر کدام از این چهار عامل افزایش یابند و شرکتها مقید به آن باشند در نتیجه فرار مالیاتی در جهت عکس آن کاهش می‌یابد. و آزمون‌های فرعی شماره ۵ و ۶ و ۷ و ۸ پژوهش رابطه بین مدیریت سود با ارکان تشکیل دهنده مسئولیت اجتماعی (مسئولیت پذیری اجتماعی، مسئولیت پذیری قانونی، مسئولیت پذیری اخلاقی، مسئولیت پذیری بشر دوستانه) را مورد آزمون قرار داده و نتایج آن رابطه مثبت، مستقیم و معناداری را بین چهار بعد مسئولیت اجتماعی

و مدیریت سود نشان می‌دهد بدین معنا که هرگاه مشاهده کردیم که مدیریت سود و دستکاری در حساب‌ها افزایش یافته است بایستی در همان راستا این چهار مورد از مسئولیت اجتماعی را افزایش داد تا متناسب با آن مدیریت سود و تقلب در حساب‌ها در شرکت کاهش یابد. نتایج این تحقیق با نتایج تحقیقات ترابی جهرمی (۱۳۹۶)، شافر و همکاران (۲۰۱۶)، دیانتی دیلمی و رضا پور پرورش (۱۳۹۳)، ملاشاهی و همکاران (۱۳۹۶)، خواجه‌زاده، (۱۳۹۵) و هانلون و اسلمورد (۲۰۱۲) و فاریس و بانی (۲۰۱۷) همسو می‌باشد.

پیشنهادهای تحقیق

الف) پیشنهادهای منتج از تحقیق

در رابطه با فرضیه اول پژوهش، پیشنهاد می‌شود نرخ بالای پرداخت مالیات کاهش یابد. اقدامات و سیاست‌های اقتصادی و مالیاتی موثر برای عدم تاثیر چشم‌گیر پرداخت حجم زیاد مالیات و کاهش انگیزه جهت شرکت در فعالیت‌های زیرزمینی مالیات دهندگان وضع گردد. در رابطه با فرضیه دوم پژوهش، پیشنهاد می‌شود جهت عدم تاثیرگذاری فرار مالیاتی، قوانین ساده و آسانی وضع گردد تا مردم به یکدیگر و به سازمان مالیاتی کشور اعتماد نمایند. تقویت و پرورش فرهنگ پرداخت مالیات و آگاهی مردم از پیامدهای منفی عدم پرداخت، وضع قوانین برای عدم رواج فساد مالی که منجر به عدم پایبندی به قراردادها می‌گردد. در رابطه با فرضیه سوم پژوهش، پیشنهاد می‌شود مقررات و قوانین مالیاتی وضع گردد تا مانع افزایش حجم اقتصاد زیرزمینی گردد. قوانین و مقررات مربوط به بازارهای کار و کالا آسان و دارای ویژگی عدم پیچیدگی باشند. جهت افزایش آزادی و اختیار افراد برای حضور در اقتصاد رسمی، قوانین متعدد و دست و پاگیر مالیاتی کاهش یابند. با ساده سازی قوانین مالیاتی، درک قوانین را برای مودیان آسان نموده تا از افزایش فرار مالیاتی جلوگیری شود. در رابطه با فرضیه چهارم پژوهش، پیشنهاد می‌شود سیاست‌هایی رواج یابد تا تورم کاهش یابد. زیرا این امر موجب کاهش بار مالیاتی حقیقی، کاهش میزان جرمه واقعی وضع شده روی فرار مالیاتی، افزایش انگیزه کافی برای فعالیت در اقتصاد اجتماعی، کاهش پدیدار شدن بازارهای زیرزمینی، افزایش درآمد حقیقی مودیان و عدم افزایش انگیزه برای فرار مالیاتی می‌گردد. در رابطه با فرضیه پنجم پژوهش، پیشنهاد می‌شود مدیریت سازمان، توجه اعضای سازمان به عدم مصرف بیهوده امکانات و اموال سازمان، به جذب مشتریان سودآور در بلند مدت، به بهبود تسهیلات ارائه شده به مشتریان، به ارائه گزارش‌ها و اطلاع رسانی مالی به ذینفعان و سازمان‌های ذیصلاح و ارائه خدمات ارزان به مشتریان را جلب نماید. همچنین در اسرع وقت به پرونده‌های تخلف مالی سازمان در مراجع قانونی ذیربط رسیدگی گردد. در رابطه با فرضیه ششم پژوهش، پیشنهاد می‌شود مدیریت سازمان، به گزارش دهی سالانه، وضع استانداردهای سازمانی، وضع مقررات در راستای کاهش فساد اداری در سازمان، تفسیر صحیح قوانین برای اعضا و تلاش در جهت اجرای آنها، تدوین ضابطه‌ها و مقررات سازمان در جهت مسئولیت پذیری سازمانی در قبال مراجعه کنندگان و تدوین ضوابط و مقررات در راستای ایجاد شرایط همکاری با دیگر ارگانها توجه نموده همچنین بر جلب توجه اعضای سازمان به رعایت استانداردهای سازمانی نیز تاکید ورزد. در رابطه با فرضیه هفتم پژوهش، پیشنهاد می‌شود مدیریت سازمان، اقدام به تقویت درک کارکنان از خدمات مالی جدید قبل از ارائه به مشتریان، کاهش تعداد و رسیدگی به تعداد پرونده‌های تخلف اخلاقی سازمان ناشی از عملکردهای درون سازمانی در مراجع قانونی ذیربط، الزام به رعایت منشورهای اخلاقی توسط اعضا، آموزش منشور اخلاقی به کارکنان، تاکید بر برخورد عادلانه و بدون تبعیض کارکنان با مشتریان، نصب صندوق‌های پیشنهادها و انتقادهای مشتریان و پیگیری خواسته‌های مطروحه، ارائه خدمات مستمر و پایدار به شهروندان و ارائه جلسات ماهانه برای

رسیدگی به پیشنهادها و انتقادات مشتریان و پیگیری خواسته های مطروحه نماید. در رابطه با فرضیه هشتم پژوهش، پیشنهاد می شود مدیریت سازمان اقدام به حمایت مالی- غیرمالی سازمان از حقوق بشر، حمایت مالی- غیرمالی سازمان از نهادهای فرهنگی، ورزشی، آموزشی و خیریه، حمایت مالی- غیرمالی سازمان در زمینه مبارزه با بیماری های خاص و حمایت مالی- غیرمالی سازمان از خدمات سازمان نماید.

ب) پیشنهاد جهت تحقیقات آتی

پیشنهاد می شود این تحقیق در مدت زمان بیشتری اجرا شود تا نتیجه قابل اطمینان تری بدست آید. زیرا شرایط سازمانی در زمان های مختلف دچار تغییر می شود. پیشنهاد می شود جهت دقت و صحت بیشتر پژوهش ارتباط میان زیر مقیاس های فرار مالیاتی یعنی متغیرهای نرخ بالای مالیات، قوانین پیچیده و متعدد مالیاتی، سرمایه اجتماعی، تورم نیز به تفکیک با زیر مقیاس های انتخاب مشتری و وفاداری مشتری بررسی گردند. پیشنهاد می شود به غیر از استفاده از ابزار پرسشنامه، از دیگر ابزارهای تحقیقاتی نظیر داده های بدست آمده از صورت های مالی شرکت های مورد مطالعه در رابطه با متغیرهای پژوهش نیز استفاده گردد.

منابع

- ✓ احمدپور، احمد، شهبواری، معصومه، (۱۳۹۲)، مدیریت سود و تاثیر کیفیت سود بر سودآوری آتی شرکتهای ورشکسته بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال یازدهم، شماره ۴۱، صص ۳۷-۵۸.
- ✓ بازدار، رضا، (۱۳۹۶)، مسئولیت اجتماعی، ویژگی های هیأت مدیره و مدیریت سود با توجه به نقش نظارتی هیأت مدیره شرکتهای، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سبزوار، دانشکده علوم انسانی، شماره پایان نامه: ۱۲۷۲۱۳۰۱۹۳۲۰۳۳.
- ✓ ترابی جهرمی، کامران، (۱۳۹۶)، بررسی تاثیر مسولیت اجتماعی بر تعهد حرفه ای و ثقل مالیاتی با در نظر گرفتن نقش قضاوت های اخلاقی حسابداران تجاری استان فارس، پنجمین کنفرانس بین المللی رویکرد های پژوهشی در علوم انسانی و مدیریت، آذرماه ۱۳۹۶، کد مقاله: ۶۸۳۵-۲۱۸۶۲.
- ✓ جلیلی، صابر، قیصری، فرزاد، (۱۳۹۳)، بررسی ارتباط بین کیفیت سود و مسولیت پذیری اجتماعی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابرسی، سال چهاردهم، شماره ۵۷، صص ۱۴۷-۱۷۰.
- ✓ حقیقت، حمید، رایگان، احسان، (۱۳۸۷)، نقش هموارسازی سود بر محتوای اطلاعاتی سود ها در خصوص پیش بینی سودهای آتی، بررسی های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۶، دوره ۱۱، صص ۳۳-۴۶.
- ✓ خواجوی، شکراله، بایزیدی، انور، جبارزاده کنگرلویی، سعید، (۱۳۹۰)، بررسی رابطه بین مدیریت سود و مسولیت پذیری اجتماعی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دوره ۳، شماره ۱، صص ۲۹-۵۴.
- ✓ خواجهزاده، مهری، (۱۳۹۵)، تعیین تاثیر مسولیت پذیری اجتماعی شرکتهای بر تفاوت بین مدیریت سود واقعی و مدیریت سود تعهدی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران، حوزه معاونت پژوهشی و فناوری، پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته حسابداری.

- ✓ دارابی، رویا، پاشانژاد، یوسف، تدوین‌فر، اسماعیل، (۱۳۹۶)، بررسی رابطه بین مسئولیت اجتماعی، عملکرد اقتصادی و اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله بررسی‌های حسابداری، دوره ۴، شماره ۱۵، صص ۶۷-۹۲.
- ✓ دیانتی‌دیلمی، زهرا، رضاپورپوروش، رویا، (۱۳۹۳)، رابطه بین اخلاق شرکتی، مسئولیت اجتماعی و ماکیاولیسم با فرار مالیاتی، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال نهم، شماره ۴، صص ۱-۱۲.
- ✓ زنگنه، سمیه، کارگر، حامد، (۱۳۹۷)، تاثیر سطوح مختلف اهرم مالی بر ارتباط بین مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و عملکرد شرکت، چشم انداز حسابداری و مدیریت، سال اول، شماره ۴، صص ۱۹-۳۱.
- ✓ رحیمیان، نظام‌الدین، توکل‌نیا، اسماعیل، زینب اسدی، (۱۳۹۱)، مسئولیت اجتماعی و پایداری عملکرد، فصلنامه حسابداری رسمی، شماره ۲۹.
- ✓ سپاسی، سحر، پارساپور، محمدرضا، رضایت، محمد، (۱۳۹۵)، طراحی مدل تأثیر بعد اقتصادی مسئولیت اجتماعی بر اجتناب مالیاتی با استفاده از رویکرد معادلات ساختاری، پژوهشنامه مالیات، شماره ۳۵، پیاپی ۸۳، صص ۱۵۸-۱۷۸.
- ✓ قاسمی، پریا، (۱۳۹۱)، اهمیت و معرفی کاربردی مسئولیت اجتماعی شرکتها، اتاق بازرگانی، شماره ۷۰.
- ✓ ملاشاهی، علیرضا، جباری، حسین، ملاشاهی، حسین، (۱۳۹۶)، بررسی رابطه مدیریت سود واقعی با مسئولیت اجتماعی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با تاکید بر پایداری عملکرد آنها، کنفرانس بین‌المللی رویکرد های پژوهشی در مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم انسانی، نروژ- اسلو، اردیبهشت ۱۳۹۶.
- ✓ ملانظری، مهناز، کریمی‌زند، ساناز، (۱۳۸۶)، بررسی ارتباط بین هموارسازی سود با نوع صنعت در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۰، شماره ۴۷، صص ۸۳-۱۰۰.
- ✓ هادیان، ابراهیم، تحویلی، علی، (۱۳۹۲)، شناسایی عوامل موثر بر فرار مالیاتی در اقتصاد ایران، برنامه‌ریزی و بودجه، سال هجدهم، تابستان ۹۲، شماره ۲، صص ۳۹-۵۸.
- ✓ وحیدی الیزایی، ابراهیم، فخاری، ماندانا، (۱۳۹۴)، تأثیر مسئولیت پذیری اجتماعی شرکتی بر عملکرد مالی شرکت، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۲۷، صص ۱-۲۴.
- ✓ ولی‌زاده لاریجانی، اعظم، (۱۳۸۹)، رابطه مدیریت سود و بازده آتی دارایی‌ها و جریان های نقد عملیاتی آتی، تحقیقات حسابداری، شماره ۶، صص ۲۲-۳۵.
- ✓ *Armstrong, C.S., Blouin, J.L., Larcker, D.F., (2011). The incentives for tax planning. J. Account. Econ. 53, 391-441.*
- ✓ *Business Holme, L., Watts, P., (2006). Human Rights and Corporate Social Responsibility. World Council for Sustainable Development, Geneva.*
- ✓ *Citron DB. (2003). The UK's framework approach to auditor independence and the commercialization of the accounting profession. Accounting, Auditing & Accountability Journal; 16(2): 244-27.*
- ✓ *Carroll, A. B. (1999). "Corporate social responsibility: Evolution of a definitional construct", 268-295, Business & Society, 38.*
- ✓ *Fariz Huseynov, Bonnie K. Klamm.(2017). Tax avoidance, tax management and corporate social responsibility, Journal of Corporate Finance. 18 : 804-827.*
- ✓ *Healy, P. M., & Wahlen, J. M. (1999). A review of the earnings management literature and its implications for standard setting. Accounting Horizons, 13: 365-383.*
- ✓ *Hanlon, M., & Slemrod, J. (2012). What does tax aggressiveness signal? Evidence from stock price reactions to news about tax shelter involvement. Journal of Public Economics (93), 126-141.*

- ✓ Hoi, C. K., & Wu, Q. H. (2013). *Is Corporate Social Responsibility (CSR) Associated with Tax Avoidance? Evidence from Irresponsible CSR Activities.*
- ✓ Lanis, R. & G. Richardson (2013). *Corporate Social Responsibility and Tax Aggressiveness: a Test of Legitimacy Theory.* *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 26(1). 75-100.
- ✓ Laguir, L. & J. Elbaz (2015). *Does Corporate Social Responsibility Affect Corporate Tax Aggressiveness?.* *Journal of Cleaner Production*, 1-14.
- ✓ Shafer, W., Richard, S. and A. Rita (2016). *Social responsibility, Professional Commitment and Tax fraud.* *Accounting, Auditing and Accountability Journal*, Vol. 29, pp. 11-134
- ✓ Stolowy, H., and Bereton, G. (2004). *A framework for the classification of accounts manipulations.* *International journal of accounting*, 49.
- ✓ Renselaar, J. (2015). *The Influence of Corporate Social Responsibility on the Level of Corporate Tax Avoidance.* *Business and Economics.*
- ✓ Sikka, P., (2010). *Smoke and mirrors: corporate social responsibility and tax avoidance.* *Account. Forum.* 34, 153–168.